



ویژه نامه جنگ رمضان

شماره یک



مجلس شورای اسلامی
معاونت پژوهش



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



ویژه نامه جنگ رمضان شماره یک

تهیه و تدوین: حوزه ریاست و روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تاریخ انتشار: اسفند ۱۴۰۴ - فروردین ۱۴۰۵

نشانی: قم، پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

کد پستی: ۳۷۴۹۱۹۳۸۰۹

پست الکترونیکی: info@isca.ac.ir

وب سایت: www.isca.ac.ir

کانال اطلاع رسانی: <https://eitaa.com/isca24>

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

فهرست:

- ۱..... سرمقاله
- ۲..... بزرگترین میراث رهبر شهید چیست؟
- ۴..... آغاز عصر نابخردی
- ۶..... نگرش اعتدال گرایی به دستاوردهای جنگ تحمیلی سوم
- ۶..... افتخار می کنیم
- ۷..... حقوق بشر دوستانه بین المللی بازیچه زورمداران غربی
- ۷..... چهارشنبه سوری
- ۸..... به مناسبت اربعین قائد شهید
- ۹..... در ضرورت حفظ همبستگی اجتماعی در شرایط جنگی
- ۹..... چیزی که ترامپ را مأیوس می کند
- ۹..... بازتولید ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی
- ۱۰..... سران اروپا؛ در مسیر تمدن یا در گرداب توحش؟
- ۱۲..... جنگ آسمان پایه و حسرت هایی بر دل!
- ۱۲..... علائم و نشانه های ظهور
- ۱۳..... پس از رهبر
- ۱۳..... نصرت الهی کی می رسد؟
- ۱۴..... اسرار جنگ
- ۱۴..... تقیّه در ترازوی فقه سیاسی
- ۱۵..... مقاومت در تاریخ ملت ها
- ۱۷..... کتاب های پژوهان در خصوص رهبر شهید
- نشانی کانال های علمی و تخصصی اعضای هیأت علمی و محققین پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پیام رسان ایتا
- ۱۸..... تبیین اندیشه امام شهید در نشریات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- ۱۹.....

سرمقاله

جنگ رمضان، تنها یک رویارویی نظامی در تقویم نبردهای معاصر نیست؛ این جنگ، صحنه‌ای است برای بازخوانی حقیقتی عمیق‌تر؛ این که مقاومت، صرفاً یک تاکتیک دفاعی نیست، بلکه جلوه‌ای از تربیت تاریخی یک ملت و امت تمدنی است. در چنین نگاهی، جنگ نه به مثابه پایان راه، بلکه به عنوان مرحله‌ای از تکامل آگاهی، انسجام و ایستادگی معنا می‌یابد.

یکی از خطاهای راهبردی در تحلیل تحولات منطقه، پایان‌پنداری جنگ است؛ گویی با توقف آتش، میدان نبرد نیز بسته می‌شود. حال آن که تجربه‌های بزرگ تاریخ نشان داده‌اند که جنگ‌ها، هرچند در ظاهر با تبادل آتش شناخته می‌شوند، اما در لایه‌های ژرف‌تر، به میدان آزمون اراده‌ها، تمدن‌ها و روایت‌ها تبدیل می‌گردند. جنگ رمضان نیز از همین سنخ است؛ جنگی که در آن، تنها خاکریزها جابه‌جا نشدند، بلکه افق فهم ملت‌ها از قدرت، ضعف دشمن و امکان پیروزی بازتعریف شد.

در این میان، آنچه بیش از هر چیز برجسته می‌شود، میراث بزرگ امام شهید و فرماندهان جان بر کف، و به طور خاص، میراثی است که در متن مقاومت به یادگار می‌ماند که عبارت است از تربیت مردمی که در لحظه‌های سخت، به جای فروریختن، برخاستن را برمی‌گزینند. این میراث، در ساحت فردی به ایمان و صبر و در ساحت اجتماعی به همبستگی، اتحاد و مقاومت ترجمه می‌شود. چنین ملتی، صرفاً مصرف‌کننده تاریخ نیست؛ بلکه خود به سازنده تاریخ بدل می‌شود.

از همین زاویه است که می‌توان جنگ رمضان را در امتداد سنت‌های بزرگ قرآنی و تاریخی فهم کرد؛ سنت‌هایی که در آن، پیروزی تنها به برتری ابزار و تجهیزات وابسته نیست، بلکه به حقانیت مسیر، صلابت اراده و پیوند مردم با آرمان‌هایشان گره خورده است. همان‌گونه که در تجربه‌های صدر اسلام، از جنگ احزاب تا فتح مبین، ابتکار دشمن در برابر ایمان و استقامت مؤمنان ناکام ماند، در جنگ رمضان نیز دستگاه محاسباتی دشمن بار دیگر با واقعیتی فراتر از معادلات مادی و ریاضی مواجه شد که عبارت بود از واقعیت ملت‌هایی که از دل بحران، توان مقاومت می‌سازند.

در چنین صحنه‌ای، شکست دشمن صرفاً شکست نظامی نیست؛ شکست روایت برتری طلبی، شکست توهم سلطه و شکست تصور فروپاشی مقاومت است. این همان فتح عظیم است؛ فتحی که ممکن است در کوتاه‌مدت با برخی معیارهای متعارف قدرت سنجیده نشود، اما در مقیاس تاریخ، نشانه‌ای از تغییر موازنه‌ها و بیداری تمدنی است.

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در پرداختن به جنگ رمضان، سعی نمود از سطح گزارش رویداد فراتر رود و به تبیین لایه‌های معرفتی، فرهنگی و تمدنی آن بپردازد. زیرا مسئله اصلی در این‌گونه جنگ‌ها، فقط «چه رخ داد؟» نیست؛ بلکه این است که این رخداد چه معنایی دارد و چه آینده‌ای را رقم می‌زند؟ پاسخ به این پرسش، مسئولیت اندیشه دینی و پژوهش فرهنگی را سنگین‌تر می‌کند.

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با آغاز جنگ تحمیلی سوم، و همزمان با شهادت قائد امت، آیت الله العظمی امام خامنه‌ای رحمته‌الله، به همت پژوهشکده‌ها و مراکز تابعه، اعضای هیأت علمی و محققین، اقدامات مختلفی نظیر استخراج نوآوری‌های علمی امام شهید، یادداشت‌های تحلیلی مرتبط با جنگ از زوایای مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تمدنی و ...، هم‌اندیشی‌ها و نشستهای علمی مختلف، معرفی کتب و مقالات مختلف مرتبط با مسائل روز و همچنین اندیشه امام شهید و ... را انجام دهد که این فعالیتها کماکان تداوم دارد. روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تلاش نموده حاصل این فعالیت‌ها را در قالب ویژه نامه جنگ رمضان، تدوین و منتشر نماید که این نسخه، شماره نخست ویژه نامه رمضان بوده که تقدیم فرهیختگان عزیز می‌شود.

در پایان از ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مدیران، اعضای هیأت علمی و محققین عزیز که با حمایت خود در تولید محتوای این مجموعه همت گذاشتند و از کارشناسان فن‌آوری، رسانه و روابط عمومی که در تولید و انتشار محتوا فعالیت شایانی داشتند، تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

مرتضی غرسبان

رئیس حوزه ریاست و روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



بزرگترین میراث رهبر شهید چیست؟

آنجا که ایشان آیه شریفه مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (هر آیه ای را که از میان برداریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانندش را می آوریم. آیا ندانسته ای که خدا بر هر کاری تواناست؟! را بر ملت شریف ایران تطبیق دادند که پس از شهادت رهبری به بعث الهی بپا خواستند و از نظام اسلامی پاسداری کردند.

با رهبر شهید خود پیمان می بندیم که:

رهبرا!

بر سر عهدهی که با تو بسته بودیم هستیم و با پیروی از رهبر عزیزمان به حرکت در صراط مستقیم الهی ادامه می دهیم و به حول و قوه الهی تا پرچم

لا اله الا الله

محمد رسول الله

بر سراسر گیتی به اهتزاز درنیاید از پا نمی نشینیم.

که:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

یکی از میراث آن امام شهید تربیت یک ملت و امت تمدنی فاخر، سلطه ستیز، نترس و در یک کلام نسلی از کسانی است که در سمت درست تاریخ یعنی حق ایستاده اند.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، حجت الاسلام و المسلمین استاد نجف لک زائی، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در یادداشتی بیان کرد: چهل روز از شهادت امام خامنه ای گذشت. مشاهدات ما از میدان تا خیابان، در سطح ایران، منطقه و جهان اسلام، در این چهل روز این مطلب را عیان می کند که یکی از میراث های آن امام شهید تربیت یک ملت و امت تمدنی فاخر، شجاع، با ادب، مقاوم، دارای اعتماد به نفس، سلطه ستیز، نترس، اهل بصیرت، منسجم، دشمن شناس، عالم، اهل عمل و در یک کلام تربیت نسلی از کسانی که در سمت درست تاریخ، یعنی سمت حق و حقیقت، عقل و عدالت و معرفت و بصیرت، ایستاده اند، است.

نسل و بلکه نسل هایی که نگاهشان به جهان پیرامون خودشان تمدنی است، منازعه اسلام ناب و نظام سلطه را تمدنی می بینند و می دانند که هراس بنیادین دشمن از رویکرد تمدنی اسلام ناب محمدی است.

و ما امروز با سربلندی نتیجه این تربیت تمدنی را در یک فتح عظیم دیدیم. دشمن آمریکایی صهیونی به هیچ یک از اهداف خود نرسید و ایران عزیز و جبهه به قله ای که امام شهید نوید داده بود رسید. و استیصال کامل را می شود در چهره و کلام ترامپ و نتانیاهو دید. تجاوز وحشیانه به لبنان و به شهادت رساندن خبرنگاران و زنان و کودکان چیزی جز ناامیدی و درماندگی در برابر چهل روز و شب مقاومت نیست.

اگر بخواهیم تنظیری در تاریخ اسلام برای این ماجرا بیابیم باید به جنگ احزاب و اتفاقات پس از آن اشاره کنیم. مقاومت رسول الله صلی الله علیه و آله و مسلمانان باعث تثبیت نظام اسلامی و پس از آن فتح مبین شد. اگر مقاومت در جنگ احزاب نبود فتح مبینی هم در کار نبود.

این نتیجه رهبری الهی و توکل به خدا و اعتماد به امت الهی است. این نتیجه تربیت ملت و امت تمدنی و با بصیرت امامین انقلاب اسلامی است. و چه زیبا که همین نگاه در اولین پیام رهبر عزیزمان حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای نیز به صورت بسیار پررنگی مطرح شد.



Najaf Lakzaee

What is the Greatest Legacy of the Martyred

despair and helplessness in the face of forty days and nights of resistance.

If we seek a historical analogy in Islamic history for these events, we must point to the Battle of Ahzab (The Trench) and the events that followed. The resistance of the Messenger of Allah (PBUH) and the Muslims led to the stabilization of the Islamic system and, subsequently, the “Manifest Victory” (Fath al-Mubin). Had there been no resistance in the Battle of Ahzab, there would have been no Manifest Victory.

This is the result of divine leadership, trust in God, and faith in the divine Ummah. It is the result of the cultivation of a civilizational and insightful nation and Ummah by the two Imams of the Islamic Revolution. How beautiful it is that this same perspective was prominently featured in the first message of our beloved leader, Ayatollah Sayyid Mojtaba Khamenei.

In that message, he applied the noble verse to the honorable nation of Iran: “Whichever miracle We abrogate or cause to be forgotten, We bring one better than it or similar to it. Do you not know that Allah has power over all things?”* He noted that after the martyrdom of the Leader, the nation rose with a divine awakening to safeguard the Islamic system. We pledge to our martyred Leader:

O Leader! We remain faithful to the covenant we made with you. By following our beloved Leader, we continue our movement on the Divine Straight Path. By God’s power and might, we shall not rest until the banner of:

There is no god but Allah, Muhammad is the Messenger of Allah
flies over the entire world.

For: “It is He who has sent His Messenger with guidance and the religion of truth to manifest it over all religions, although the polytheists dislike it.”

What is the Greatest Legacy of the Martyred Leader?

One of the legacies of that martyred Imam is the upbringing of a nation and a civilization—building Ummah that is magnificent, anti-hegemonic, fearless in a word, a generation of those who stand on the right side of history, which is the side of Truth.

According to the Public Relations of Islamic Sciences and Culture Academy, Professor Najaf Lakzaee, the president of the academy, stated in a note: Forty days have passed since the martyrdom of Imam Khamenei. Our observations from the field to the streets across Iran, the region, and the Islamic world during these forty days reveal that one of the legacies of that martyred Imam is the cultivation of a nation and a civilization—building Ummah that is magnificent, brave, courteous, resilient, self-confident, anti-hegemonic, fearless, insightful, cohesive, enemy-recognizing, learned, action-oriented; in short, the upbringing of a generation standing on the right side of history the side of Truth, reality, intellect, justice, knowledge, and insight.

It is a generation or rather, generations whose outlook on the world around them is civilizational. They perceive the conflict between pure Islam and the global hegemony as a civilizational one and know that the enemy’s fundamental fear stems from the civilizational approach of Pure Mohammadan Islam.

Today, we proudly witness the result of this civilizational upbringing in a “Great Victory.” The American-Zionist enemy failed to achieve any of its goals, and our beloved Iran and the Front [of Resistance] reached the summit that the martyred Imam had promised. Complete desperation can be seen in the faces and words of Trump and Netanyahu. The brutal aggression against Lebanon and the martyrdom of journalists, women, and children is nothing but a sign of



آغاز عصر نابخردی

نکته اینجاست که جهان جدید در قرن ۲۱ از روایت اول گسسته و رو به ساخت روایت دوم دارد. در این ساخت جدید جهانی، هیچ ارزش و اصل ثابت انسانی دیده نمی شود و از این رو نیازمند نهادهای داوری و دادگری و حقوق فراگیر بین المللی نیز نیست. در این دنیای جدید که آمریکای محافظه کاران صهیونی با همکاری یهودیان افراطی ماموریت تحقق آن را دارد، منفعت و الیگارشیک قدرت هر چیزی را مباح و مجاز می دارد. در اینجا چیزی که پیش تر نام خشونت، خیانت و آشوب و در یک کلمه عنوان «نابخردی» به خود می گرفت، به صورت هنجارهای یک زیست مدنی معرفی می شود.

اشتباه نکنیم، آنچه امروز شاهدیم، روش و منش گرگی به نام #تتانیاهو و روباهی به نام #ترامپ نیست؛ این دو تنها نماد و نمونه ای از دنیائی اند که در آن، درندگی و دورویی و فریبکاری به عنوان ارزش های اصلی در ساخت و بافت مدنیت جهانی پیش بینی شده است. این رویه و رفتار را از این پس باید در خوی و سرشت همه سیاستمداران عصر جدید انتظار داشت، جهان مدرن به تمامیت خویش رسیده است و آخرین دستاوردهای عینی خویش را در عرصه تمدنی به نمایش می گذارد. خیره سری و خون ریزی از یک سو، و حيله گری و دورویی از سوی دیگر، خوی سیاست ورزی و ابزار پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی در این دنیای جدید است.

اگر چنین باشد که می نمایم، پرسش تازه ای که رخ می نماید این است که در این عصر نوین چگونه باید زیست کرد؟ و اساسا برای #حیات-طیبه-سیاسی راهی وجود دارد؟ آیا در معادلات جهانی و منطقه ای که مکر و فریب و خیانت، نرخ آشکار در این بازار مکاره است و هیچ نهاد نظارتی و قانون مورد وفاق وجود ندارد، چگونه می توان از پیمان مشترک و پیوند پایدار سخن گفت؟

پرسش این است که اساسا بر بنیاد اخلاق و حقوق معنویت چگونه می توان سیاستی را بنیاد کرد؟ اگر راهی برای گذار از این ورطه سخت تمدنی وجود دارد، چگونه و با کدامین ظرفیت های معرفتی و میدانی می توان به چنین راهی گام نهاد؟!

دوران مدرن با قرن هفدهم میلادی کلید خورد و ساختارها و نظم جهانی آن، در قرن بیستم به ثمر نشست. قرن هفدهم را کسانی چون ویل دورانت، «آغاز عصر خرد» نامگذاری کردند. عصر خرد در تعریف مدرن غرب، دوره ای همراه با حقوق انسانی، ارزش های اخلاقی و نظم و انضباط قانونی و جهانی بود. این مولفه ها همان چیزهایی بود که به تدریج از درون فلسفه های جدید و بنیادهای اومانیسم و سکولاریسم غربی زاده شد و به عنوان یک دستاورد جدید تمدنی به همه جهان صادر گشت. علم و تکنولوژی به عنوان دو پیشران این حرکت جهانی قلمداد می شد و فلسفه اجتماعی پیشرفت و برابری، بر پیشانی این تمدن، نوید آزادی و رهائی انسان از بندهای سنت و نظام های سنتی می داد.

پیش قراولان عصر جدید کسانی چون لاک و منتسکیو بودند و مبشران آن همچون روسو و ولتر، تصویرسازان این بهشت برین به شمار می آمدند. این دنیای جدید در قالب حقوق بشر، اخلاق جهانی و توسعه و پیشرفت های خیره کننده اقتصادی و تکنولوژیک، خود را به تدریج به نمایش گذاشت و در سده بیستم به نهایت رساند و هژمونی نهادهای فراملی و رژیم حقوقی بین المللی را به عنوان ضامن اجرائی این الگوی زیست تمدنی بر جهان سیطره بخشید.

اما دنیای مدرن در پشت این قامت استوار و صورت زیبا، چهره دیگری داشت که از آغاز از سوی کسانی چون هابز و ماکیاولی روایت می شد و انسان را «گرگ صفت» و کسب قدرت و لذت را هدف نهائی انسان می دانست و اخلاق و حقوق و سیاست را تنها ابزارهایی برای کنترل و بسترهای کسب منافع به حساب می آورد. در این روایت، وحشت بی عدالتی و خشونت نژادپرستی که انسان را محدود به #ژن های-برتر می ساخت و حاکمیت را به #هسته های-قدرت و ثروت می سپرد، به خوبی به تصویر کشیده می شد.

این چهره دوم از تمدن اروپائی همان است که در فریادهای جنون نمای نیچه در اواخر قرن نوزدهم به گوش رسید و او جهان جدید را در نهایت به اراده معطوف به قدرت فروکاست و از قربانی شدن خدا و اخلاق و انسانیت در پای زور و زر خبر داد.

آمریکا چهل و هفت سال است نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد

رئیس جمهور آمریکا در یکی از صحبت‌های اخیرش گفته که ۴۷ سال است که آمریکا نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد. به مردم خودش شکایت کرده که ۴۷ سال است که آمریکا نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد؛ این اعتراف خوبی است. بنده می‌گوییم توهم نخواهی توانست این کار را بکنی.





نگرش اعتدال گرایی به دستاوردهای جنگ تحمیلی سوم

نباید اصلاً روی آن مانور داد. ولی در نگرش تفریط گرایی و هیچ گرایی، دستاوردهای فوق الذکر اصلاً دستاورد به حساب نمی آید و در واقع وقتی که دستاورد نهایی حاصل شده، می توان ادعای پیروزی نمود. ولی در نگرش اعتدال گرایی که به نحوی می توان آن را واقع گرایی نیز دانست اولاً؛ دستاوردهای جزئی، دستاورد بوده و پیروزی تلقی می شود ثانیاً؛ دستاوردها و پیروزی ها می تواند نسبی هم باشد. ثالثاً؛ با صیانت از دستاوردها و پیروزی های جزئی و نسبی، می توان به طرف دستاورد و پیروزی نهائی که همان اخراج آمریکایی ها از منطقه باشد گام برداشت.

پس به طور خلاصه سه نگرش فوق را می توان چنین بیان کرد؛
۱. در نگرش آرمانی گرایی و ایده آل گرایی؛ دستاوردهای جزئی، دستاورد نسبی بوده و خیلی نباید مورد توجه قرار گیرد و بلکه باید تمام توجه روی دستاورد نهایی (خروج آمریکایی ها از منطقه) خلاصه شود.

۲. در نگرش تفریط گرایی و هیچ گرایی؛ دستاوردهای جزئی اصلاً دستاورد نبوده و هیچ گونه توجه ای بدان نمی شود بلکه باید همه توجه روی دستاوردهای نهایی باشد

۳. در نگرش اعتدال گرایی و واقع گرایی، دستاوردهای جزئی، دستاورد تلقی شده و باید به آنها توجه لازم شود و برای رسیدن به دستاوردهای نهائی باید تلاش و کوشش مضاعفی انجام داد.

در خصوص جنگ تحمیلی سوم که البته هنوز به پایان راه و هدف نهایی آن نرسیده می توان به یک سری دستاوردهای مختلفی اعم از سیاسی، اجتماعی و نظامی اشاره نمود، نظیر؛
۱. دفاع جانانه از کیان انقلاب اسلامی و سرزمینی ایران
۲. شکستن ابهت و هژمونی آمریکا

۳. تسلط بر تنگه مهم هرمز
۴. تثبیت اقتدار و قدرت ایران اسلامی در جهان
۵. ایجاد همدلی و مهربانی در میان مردم
۶. تحقق اتحاد و انسجام در میان آحاد مردم
۷. ایجاد پیوستگی و اتحاد میان جبهه های مقاومت در منطقه
...

به بیان دیگر ایران اسلامی در حال حاضر هم در میدان و هم در خیابان و هم در افکار عمومی مردم ایران و جهان پیروزی هایی را بدست آورده است.

پیرامون این دستاوردها و پیروزی ها صحبت های مختلفی مطرح شده که می توان آنها را در قالب سه نگرش کلی گزارش نمود «ایده ال گرایی و آرمان گرایی»، «اعتدال گرایی و واقع گرایی» و «تفریط گرایی و هیچ گرایی» در نگرش اول که نگرش ایده ال گرایی است، ملاک پیروزی، دستاورد صد در صدی بوده که در قالب پیروزی نهایی و کامل خودش را نشان می دهد بر این اساس موارد فوق الذکر دستاوردهای جزئی و نسبی بوده که



افتخار می کنیم...

عشق شان که چسان می توانند در وضعیت خلاء محض سیاسی، با حضور اجتماعی، نظم جامعه را تضمین کنند.

۶. دوباره به همین مردم، که با تکیه بر تاریخ خود، با تکیه بر سنت خود، و با تکیه بر ایمان عمیق خود چسان می توانند بزرگترین سوگ و رنج خود را به بزرگترین حماسه و خون تبدیل بکنند.

۷. باز به همین مردم، به همین ملتی که نترس است، و از بدترین دشمن در بدترین شرایط هراسی ندارد.

۸. و بالاخره به زنان و دختران مان، بلکه به شیردختانی که در اوج حملات آمریکایی و صهیونیستی، هر شب در خیابان حضور حماسی پیدا می کنند، به جای شیون و شکوه، شعر حماسه و نبرد می سرایند.

ما افتخار می کنیم:

۱. به فلسفه زیستن انسانی مان، به معنای زندگی حماسی مان، به حیات توأمان دنیوی و اخروی مان.

۲. به معنا و فلسفه شکست و پیروزی مان، به ملت امام حسین بودن مان، به اینکه شکست ما نه در کشته شدن، بلکه در سرسپردگی و ذلت در برابر «مثل یزید» های زمانه است.

۳. به رهبران مان، به سنت مرشدانی که در طول طولانی تاریخ، مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح داده اند.

۴. به فرهنگ شهادت، به عشق به شهادت، به طلب و تقاضای شهادت (المستमित لا یموت) که عامل اصلی بقای ما در طول صدها سال گذشته بوده است.

۵. به مردم مان، به عقلانیت شان، به معنویت شان، و به



حقوق بشر دوستانه بین المللی بازیچه زورمداران غربی

این قانون چهارده قرن پیش توسط پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) اجرا می شده است. در غزه حنین مشرکان با زنان و کودکان به میدان آمده و برای از بین بردن اسلام و پیامبر (ص) نقشه کشیده بودن. آنها علیرغم پیروزی اولیه، با پامردی برخی مسلمانان چون امیرالمؤمنین (ع) شکست خوردند و پا به فرار گذاشتند و زنان و کودکانشان اسیر شدند.

برخی مسلمانان قصد کشتن آنها را داشتند اما رسول خدا (ص) نه تنها مانع شدند بلکه زمینه آزاد سازی آنها را نیز فراهم کردند.

امروزه این قانون صوری نه تنها توسط زورمداران و جهانخواران مورد توجه قرار نمی گیرد که در یک مورد ۱۶۸ دختر دانش آموز در مدرسه شجره طوبی در شهر میناب، با حمله موشکی و ناجوانمردانه صلیبی، صهیونیستی به شهادت رسیدند. عجیب آن که نه تنها عکس العملی در برابر آن دیده نشد بلکه محکومیت در خور شأن آن توسط سازمان های مربوطه انجام نگرفت. در حالی که در جنگ روسیه علیه اوکراین عکس العمل ها متفاوت بود.

یکی از اصطلاحاتی که امروزه در عرصه بین الملل خودنمایی میکند، واژه «حقوق بشردوستانه»؛ «Humanitarian law» است. این واژه با اصطلاح حقوق بشر «Human Rights» تفاوت دارد و درگیری های مسلحانه را در بر می گیرد: بر این اساس «حقوق جنگ» یا «حقوق مخاصمات مسلحانه» نیز نامیده شده است.

■ خلاصه پیام حقوق بشر دوستانه بین المللی آن است که افرادی که در جنگ و درگیری شرکت ندارند یا دست از جنگ کشیده اند نباید مورد حمله قرار گیرند و نیز سلاح هایی که نظامیان را از غیر نظامیان تفکیک نمی کنند یا خسارت و آسیب های غیرضروری به بار می آورند نباید مورد استفاده قرار گیرند.

■ مطابق این قانون زنان، کودکان، افراد سالخورده، بیماران و بیمارستان ها و حتی مجروحان جنگی که در میدان نبرد نیستند در امان بوده و نباید مورد تعرض قرار گیرند.



چهارشنبه سوری

دو. ایده چهارشنبه سوری ققنوس وار؛ با این نماد و شعار که ایران از میانه ی جنگ همچنان سر، بلند می کند. ذیل این ایده می توان جشن شمع به جای آتش را برگزار کرد. این کار تضاد زیبایی بین "تاریکی جنگ" و "نور امید" ایجاد می کند. هر شمع می تواند به یاد یکی از شهدای محل یا یک رزمند روشن شود.

سه. ایده برگزاری چهارشنبه سوری در اسرائیل توسط آتش های ایران. نیروهای مسلح ایران آتش بازی ویژه ای به مناسب چهارشنبه سوری را با موشک ها و عملیات خود در سرزمین های اشغالی یا منطقه اجرا کنند. و البته با یک پیوست رسانه ای پیشینی و پسینی.

شاید بتوان هر سه ایده سلبی و ایجابی را با هم پی گرفت.

فارغ از اینکه رسمی مانند چهارشنبه سوری خوب است یا بد، باید جلوی آن را گرفت یا آزاد گذاشت، اسلام آن را تأیید می کند یا خیر، بهر حال ممکن است برای بخشی از ایرانیان مهم باشد. لذا نمی توان بی تفاوت از کنار آن گذشت.

چهارشنبه سوری امسال از جهت امنیتی مهم است؛ تهدید است چون می تواند مورد سوءاستفاده ی دشمن قرار بگیرد. و فرصت است چون می توان از ظرفیت یک رسم ایرانی برای شادی و نشاط در جنگ استفاده کرد.

سه ایده را می توان برای چهارشنبه سوری امسال پی گرفت؛

یک. قوه قضاییه و نهادهای امنیتی و نظامی به صراحت هرگونه جشن، آتش بازی و غیره را جرم تلقی کرده و با آن برخورد کنند. این یک ایده سلبی و تأثیرگذار است.



به مناسبت اربعین قائد شهید

سید الشهداء انقلاب، از اقتدار تا مظلومیت

در تاریخ انقلاب‌های بزرگ، برخی شخصیت‌ها فقط رهبر یک دوره نیستند، بلکه به نماد هویت، مقاومت و استمرار یک مسیر تاریخی تبدیل می‌شوند. جایگاه امام خامنه‌ای شهید نیز در سپهر انقلاب اسلامی، از همین سنخ است؛ شخصیتی که در طول دهه‌ها، هم در میدان اقتدار و عزت ملی ایستاده و هم رنج مظلومیت، جراحت، تهمت و دشمنی را با صبر و استقامت تحمل کرده است.

۱. اقتدار و عزت در تجربه زیسته امام خامنه‌ای

اقتدار در تجربه زیسته امام خامنه‌ای، مفهومی صرفاً سیاسی یا حکومتی نیست، بلکه حقیقتی ریشه‌دار در ایمان، اعتماد به وعده الهی و اتکای به مردم است. این اقتدار در سال‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی، در دوران دفاع مقدس، در مدیریت بحران‌های پیچیده پس از انقلاب و در هدایت کشور در برابر فشارهای خارجی و فتنه‌های داخلی، به صورت عینی خود را نشان داده است. عزت در این تجربه زیسته، نه از جنس سازش با قدرت‌های سلطه‌گر، بلکه از جنس حفظ استقلال، صیانت از هویت اسلامی و ایستادن بر سر آرمان‌های انقلاب است. از همین رو، شخصیت ایشان در حافظه تاریخی ملت ایران، با صلابت، آرامش در بحران، تصمیم‌گیری در لحظه‌های سرنوشت‌ساز و تبدیل تهدید به فرصت گره خورده است. این اقتدار، اقتداری برخاسته از درون است؛ اقتداری که در برابر طوفان تحریم، تهدید، ترور و عملیات روانی، خم نشد و ملت را نیز به ایستادگی فراخواند.

۲. مظلومیت امام خامنه‌ای از جانبازی تا شهادت

در کنار این اقتدار، زندگی امام خامنه‌ای آکنده از مظلومیت نیز بوده است؛ مظلومیتی که از دوران مبارزه و زندان و تبعید آغاز شد و در حادثه سوء قصد و جانبازی، جلوه‌ای آشکار یافت. شخصیت‌هایی از این دست، معمولاً بیش از آنکه در میدان نبرد سخت، آماج دشمن باشند، در میدان تحریف، تهمت، جنگ روانی و کینه‌ورزی نیز هدف قرار می‌گیرند. مظلومیت ایشان فقط در جراحت جسمی یا رنج‌های شخصی خلاصه نمی‌شود، بلکه در تحمل سالیان طولانی دشمنی‌های سازمان‌یافته، تخریب‌های رسانه‌ای و کوشش مداوم بدخواهان برای شکستن پیوند امت و رهبری نیز قابل مشاهده است. از این منظر، مظلومیت ایشان نه نشانه ضعف، بلکه نشانه حقانیت مسیری است که دشمن تاب تحمل آن را ندارد. هرچه قامت رهبری در دفاع از عزت امت اسلامی بلندتر شده، تیرهای کینه نیز افزون‌تر گشته است و همین، معنای عمیق‌تری به این مظلومیت تاریخی می‌بخشد.

۳. ثبت امام شهید در تاریخ انقلاب

انقلاب اسلامی از آغاز تا امروز، شهدای بزرگی را در مسئولیت‌های گوناگون تقدیم کرده است؛ در این مسیر، این ملت رئیس‌جمهور شهید، نخست‌وزیر شهید، رئیس قوه قضائیه شهید، وزیر شهید، نماینده شهید و سردار شهید را در تاریخ خود ثبت کرده است. هر یک از این شهادت‌ها نشان‌دهنده آن است که مسئولیت در نظام اسلامی با ایثار و فداکاری گره خورده و خدمت در این مسیر، همواره با آمادگی برای جان‌فشانی همراه بوده است. اکنون با شهادت ایشان، عنوان «رهبر شهید» نیز به این سلسله پرافتخار افزوده شد و صفحه‌ای تازه در تاریخ انقلاب گشوده گردید.

از این رو، ثبت امام شهید در تاریخ انقلاب، تنها ثبت یک شخص نیست، بلکه ثبت یک قله معنوی و تاریخی است؛ قله‌ای که نشان می‌دهد رهبری در مکتب انقلاب اسلامی نه جایگاه آسایش و قدرت‌طلبی، بلکه جایگاه مسئولیتی سنگین و حتی میدان فداکاری تا سرحد شهادت است. چنین ثبت تاریخی، برای نسل‌های آینده نیز حامل این پیام خواهد بود که راه انقلاب اسلامی با خون پاک شهیدان تداوم یافته و هرگاه لازم باشد، بزرگ‌ترین شخصیت‌های آن نیز آماده پرداخت بالاترین هزینه برای حفظ عزت و استقلال این ملت هستند. و این با الگوگیری از سید و سالار شهیدان در حادثه کربلا تحقق یافته است.

۴. اثرگذاری خون امام شهید

خون شهید در فرهنگ اسلامی هرگز پایان یک راه نیست، بلکه آغاز حیات تازه برای یک امت است. اگر رهبری الهی در اوج مظلومیت به شهادت برسد، خون او به سرمایه‌ای برای تداوم مسیر، بیداری وجدان‌ها، رسواشدن دشمنان و تقویت اراده مؤمنان تبدیل می‌شود. اثرگذاری خون امام شهید انقلاب از همین منظر قابل فهم است؛ خونی که می‌تواند مرز حق و باطل را روشن‌تر کند و نیرویی تازه در کالبد انقلاب بدمد. شهادت شخصیت‌های بزرگ، غالباً نقاب از چهره دشمن برمی‌دارد و حقیقت درگیری را برای نسل‌های بعد آشکارتر می‌سازد. در چنین شرایطی، خون امام شهید ما نه تنها یک خاطره مقدس، بلکه یک عامل حرکت‌آفرین، هویت‌ساز و تمدن‌ساز خواهد بود؛ خونی که می‌تواند مسیر آینده انقلاب را روشن‌تر، انگیزه‌های مقاومت را عمیق‌تر و پیوند امت با آرمان‌های الهی را استوارتر کند.



در ضرورت حفظ همبستگی اجتماعی در شرایط جنگی

اعتماد عمومی عمق بخشیده می شود و هر مقدار اعتماد عمیق شود، اطمینان اجتماعی نیز تواناتر می شود. من می خواهم در اینجا بر عنصر دیگری هم تأکید کنم و آن محبت و دوستی اجتماعی است. محبت و دوستی اجتماعی می تواند همزمان احترام و اعتماد و اطمینان اجتماعی را عمیق تر سازد. در شرایط حاضر، به منظور حفظ همبستگی و انسجام اجتماعی نباید مولفه های مذکور را در حل بسیاری از مسائل اجتماعی نادیده انگاشت.

ایران در شرایط بسیار خطیری قرار دارد و هر گونه مسامحه ای از هر طرف می تواند به ضرر یکپارچگی و تمامیت ارضی تمام شود. از این رو حفظ و حراست از همبستگی و انسجام اجتماعی در این شرایط، ضرورتی دو چندان یافته است. آنچه این همبستگی و انسجام را شکل می دهد و تداوم می بخشد، به تعبیر امام موسی صدر، احترام متقابل، اعتماد متقابل و اطمینان متقابل است. این سه مولفه به صورت پیوسته به هم قابل تحقق است. هر مقدار احترام متقابل در مناسبات اجتماعی افزایش یابد، به



چیزی که ترامپ را مایوس می کند

قیمت گاز طبیعی در بریتانیا ۴۲٫۵۵٪ افزایش یافت
۳. «عاجل | القيادة المركزية الأمريكية: سقوط ۳ طائرات أمريكية فوق الكويت»
سه هواپیمایی آمریکایی در آسمان کویت سقوط کرد.
اکنون وقت سوگ و شمارش هزینه های خودمان نیست؛ چیزی که ترامپ و نظام سرمایه داری را سریع مایوس می کند «تلفات انسانی» و «افزایش هزینه های اقتصادی» است که نشانه های آن در حال آشکار شدن است.

جنگ در روز سوم به نقطه ای رسیده که پیامدهای آن برای طرف مقابل به تدریج آشکار می شود. به سه خبر ذیل که امروز کانال تلگرام الجزیره منتشر کرده، دقت کنید:
۱. «عاجل | قطر للطاقة: وقف إنتاج الغاز الطبيعي المسال بسبب هجوم عسكري على المرافق التشغيلية في مدينة راس لفان ومسيعيد»
تولید گاز مایع در قطر متوقف شد
۲. عاجل | مجموعة بورصات لندن: ارتفاع أسعار الغاز الطبيعي البريطاني بنسبة ۴۲٫۵۵٪



بازتولید ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی

حضور مستمر، پرشور و آگاهانه مردم در این روزها و شب های رمضان چقدر با دوران مبارزه مردم ایران در سال ۱۳۵۷ با رژیم وابسته پهلوی شباهت دارد. مهم ترین مطالبه مردم ایران در سال ۱۳۵۷، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود و اکنون پس از گذشت ۴۷ سال همچنان بر این شعار اساسی خود پافشاری می کنند. این نکته به این معنا است که مردم درس خودباوری، استقلال طلبی، مقاومت و آزادی را بخوبی از امامین انقلاب آموختند و در راه حفظ آن، سختی های زیادی را تحمل می کنند. به نظر می رسد ماهیت استقلال طلبی و هویت خواهی مردم آزاده ایران در انقلاب اسلامی در ایام رمضان و در زمان مقابله مستقیم استکبار و اذنباش علیه جمهوری اسلامی، مجدداً بازتولید شده است و این خواسته و پشتیبانی مردم همان سرمایه اجتماعی گرانشنگی است که همه باید در حفظ آن کوشا و مصر باشیم.

به امید پیروزی حق بر باطل

انقلاب اسلامی که برای رهایی از وابستگی و ظلم رژیم پهلوی بوجود آمده بود؛ با رهبری امام خمینی (ره) و پشتیبانی مردم، نظام جمهوری اسلامی را بنیاد نهاد؛ تا بواسطه آن، سه خواسته مهم مردم یعنی استقلال، آزادی و اجرای احکام الهی را در جامعه تحقق ببخشد. نظام و مردم ایران از اول تاسیس جمهوری اسلامی تاکنون سختی های زیادی را در راه حفظ آزادی و استقلال خود تحمل کرده اند.

نظام استکباری به رهبری آمریکا از اول انقلاب تاکنون از همه ظرفیت های خود برای خاموش کردن نور انقلاب اسلامی و ناکارآمد ساختن نظام بکار گرفت و در ادامه، امروز به طور مستقیم در همه ابعاد و سطوح با جمهوری اسلامی به مقابله برخاست تا نظام و مردم را تسلیم بی قید و شرط خود سازد؛ اما مسئولان و مردم با بهره گیری از تعالیم الهی و امامین انقلاب، جانانه در مقابل زورگویی و زیاده خواهی آنان ایستادگی می کنند.



سران اروپا؛ در مسیر تمدن یا در گرداب توحش؟

از سیاست‌هایی می‌پردازند که آشکارا در تضاد با ابتدایی‌ترین اصول تمدن قرار دارند.

برای مثال، کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه، آلمان و بریتانیا، بارها از رژیم‌هایی حمایت کرده‌اند که ناقض فاحش حقوق بشر بوده‌اند. عملکرد اسرائیل در حمله به مناطق مسکونی، مراکز درمانی، فرودگاه‌ها، تأسیسات هسته‌ای، زیرساخت‌های انرژی، و قتل دانشمندان و خبرنگاران ایرانی، نه‌تنها از سوی این دولت‌ها محکوم نشده، بلکه بعضاً با حمایت مالی، نظامی و دیپلماتیک همراه بوده است.

فهرست مصادیق توحش مدرن و انفعال سران اروپا

۱. قتل عام کودکان در غزه و لبنان
۲. حمله به مراکز درمانی و امدادی
۳. تخریب فرودگاه‌ها و مراکز غیرنظامی
۴. حمله به تأسیسات هسته‌ای (نطنز، اراک، فردو)
۵. نابودی زیرساخت‌های انرژی (عسلویه، کنگان، تهران)
۶. ترور دانشمندان علمی
۷. حمله به رسانه‌ها و ساختمان شیشه‌ای صداوسیما
۸. هدف قرار دادن مراکز تولیدی غیردولتی
۹. کشتار بیش از ۲۰۰ خبرنگار تنها در شش ماه اول سال میلادی
۱۰. پشتیبانی رسانه‌ای و فرهنگی از جنایات اسرائیل

این موارد، نشان‌دهنده نوعی توحش مدرن با پوشش تمدن است که نه‌تنها با معیارهای انسان‌مدارانه ناسازگار است بلکه حتی در چارچوب قوانین بین‌المللی نیز محکوم است. عدم واکنش کشورهای اروپایی، و حتی تأیید ضمنی یا آشکار این اقدامات، نشانه‌ای از فاصله فاحش میان ادعا و عمل است.

امام خمینی و نقد تمدن غرب؛ تأملی در «کشف الاسرار»
امام خمینی در کتاب «کشف الاسرار» با صراحت و بر پایه مبانی عقلی و دینی، تمدن غرب را نفی می‌کند. از نظر ایشان، تمدن غرب چیزی جز نقاب نیست؛ نقابی که بر چهره‌ای خون‌ریز، شهوت‌محور و فاقد اخلاق انسانی کشیده شده است. ایشان تصریح می‌کنند:

«تمدن به معنی خود حقیقت ندارد و کلمه توحش به اروپا نزدیک‌تر است از تمدن... اروپایی را که جز خون خوراکی و آدم‌کشی و کثرت‌سوزی مرامی ندارد، با قانون اسلام که کانون عدالت و دادگری است چه کار؟»

این دیدگاه، با شواهد موجود تطبیق‌پذیر است؛ شواهدی که نشان می‌دهند سران اروپا، با وجود ادعاهای پرطمطراق، از جوهره تمدن واقعی تهی است.

[جهت مطالعه ادامه مطلب کلیک نمایید.](#)

تمدن یکی از پُرکاربردترین مفاهیم گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی و اخلاقی است، اما مفهوم آن همواره یکسان و بی‌ابهام نبوده است. آیا تمدن صرفاً به معنای پیشرفت تکنولوژیک است یا باید در معنای عمیق‌تر، اخلاقی‌تر و انسانی‌تری بازخوانی شود؟ در این یادداشت، به این پرسش اساسی پرداخته می‌شود که اروپا، به‌ویژه سران و برخی از نخبگان سیاسی و فرهنگی آن، با کدام معیارها متمدن شمرده می‌شوند و آیا آنچه امروز در رفتارهای سیاسی و بین‌المللی اروپا دیده می‌شود، واقعاً واجد ویژگی‌های تمدنی است یا نه؟

تمدن: مهار طبیعت یا بازسازی اخلاقی انسان؟

تمدن، در تعریف برخی اندیشمندان از جمله نوربرت الیاس، نه فقط یک نظم ظاهری یا سامان تکنولوژیک، بلکه مجموعه‌ای از مهارت‌های درونی و اخلاقی است که انسان را قادر به مهار طبیعت بیرونی و درونی می‌کند. الیاس تمدن را فرآیند تاریخی‌ای می‌داند که در آن، انسان می‌آموزد امیال، خشونت و واکنش‌های هیجانی خود را به تأخیر بیندازد و تحت کنترل عقل و هنجارهای جمعی درآورد.

مطابق این تعریف، انسان متمدن نه آن کسی است که در میان برج‌ها و زیرساخت‌های مدرن زندگی می‌کند، بلکه کسی است که توانایی کنترل نفس، احترام به دیگری، گفت‌وگو به جای خشونت، و تأمل به جای شتاب دارد.

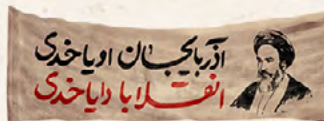
ویژگی‌های فرد متمدن: ترکیبی از عقلانیت، خویشتنداری و اخلاق جمعی

از نگاه اندیشمندانی چون نوربرت الیاس، و همچنین پژوهشگرانی چون دکتر محمود سریع‌القلم، شهروند متمدن ویژگی‌هایی چون تفکر انتقادی، احترام به حریم دیگران، صداقت، مشارکت اجتماعی و درک مسئولیت‌پذیر از نقش خویش در جامعه دارد. سریع‌القلم در یک طبقه‌بندی کاربردی، ۳۰ ویژگی برای شهروند متمدن معرفی می‌کند که از احترام به ناشناخته‌ها تا پرهیز از نمایش و تعهد به تولید فکری را شامل می‌شود.

این ویژگی‌ها بر جنبه‌هایی چون مهار خویش، تعامل سازنده، احترام به نظم و تعهد اجتماعی تأکید دارند. بر این اساس، اگر معیار تمدن را این شاخصه‌ها بدانیم، باید پرسید آیا نظام‌های غربی، به‌ویژه سران اروپا و امریکا واجد این خصوصیات هستند؟

سران اروپا و بحران صداقت تمدنی: نقدی از منظر واقع‌گرایی اخلاقی

با معیارهای مذکور، عملکرد اروپا، به‌ویژه در عرصه سیاست بین‌الملل، سؤال‌برانگیز است. نظام‌هایی که داعیه‌دار دفاع از حقوق بشر و ارزش‌های تمدن هستند، در عمل به حمایت



رهبر انقلاب اسلامی
دردیدار مردم آذربایجان شرقی:

رئیس جمهور آمریکا میگوید ارتش ما قوی ترین ارتش دنیا است

**قوی ترین ارتش دنیا
هم ممکن است
آن چنان سیلی بخورد که
از جا نتواند بلند شود**

سید علی خامنه‌ای

۱۴۰۴/۱۱/۲۸

 KHAMENEI.IR



جنگ آسمان پایه و حسرت‌هایی بر دل!

امروز جنگ‌ها عمدتاً آسمان پایه‌اند؛ موشک و پهپاد و هواپیما.

کاش می‌شد به امام منتظر نشان می‌دادیم اگر ظهور کند،
چطور در رکابش می‌جنگیم!

بیشتر، جنگ فناوری و تجهیزات است، تا جنگ بدن‌ها.

در این شرایط جان‌های مشتاق جهاد، نمی‌دانند چطور در
نبرد شرکت کنند و این عطش سوزان را فرو بنشانند!

نسل قبل، هشت سال خودش را نشان داده، مدافعان حرم
هم به نوعی دیگر، ولی ما باید حسرت‌مان را به دل بکشیم!

کسی برای حضور در جبهه‌های حق علیه باطل فراخوان
نمی‌زند تا با سر بدون.

حفظ پشت جبهه و حضور در خیابان‌ها، وظیفه است، ولی
این حسرت را دوا نمی‌کند!

دیگر خبری از اتوبوس‌ها و قطارهایی نیست که در سایه بدرقه
مادران و پدران، راهی جبهه می‌شوند.

کارشناس در جایگاه هیأت علمی (گروه جریان شناسی مهدویت)

علی محمد هوشیار



علائم و نشانه‌های ظهور

این علائم نقش تعریفی ندارند و به عنوان معرّفی که اجلی
از معرّف (ظهور) باشد نمی‌باشند، بلکه همگی پس از ظهور و
پیش از قیام تحقق می‌یابند و برای شناخت هر کدام نیاز به
معرّف دیگری است.

روایات مربوط به علائم ظهور به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. علائم محتوم

۲. علائمی که با عنوان «اشارات ظهور» شناخته می‌شوند

علائم محتوم خود به دو گروه تقسیم می‌گردند:
یا علامت # تعریفی هستند، یا علامت # تأییدی.

سایر نشانه‌ها - با فرض قطعی‌الصدور بودن از معصومان
علیهم‌السلام - در زمره اشراط ظهور قرار می‌گیرند. این نشانه‌ها
نه زمان مشخصی برای ظهور تعیین می‌کنند و نه فاصله‌ای تا
آن ارائه می‌دهند؛ بلکه صرفاً به عنوان پیش‌شرط‌های ظهور
 مطرح‌اند و حتی ممکن است با تحقق همه آن‌ها، باز هم تا
مدتی ظهور واقع نشود.

علامت تعریفی تنها به ندای آسمانی اختصاص دارد. این ندا
معرّف قطعی ظهور است و از طریق آن، صاحب این امر شناخته
می‌شود:

«وَبِهِ يُعْرَفُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ»

(الغیبة، نعمانی، ج ۱، ص ۲۵۷)

و این ندا دقیقاً هم زمان با خودِ ظهور شنیده خواهد شد.

بنابراین، در هیچ‌یک از این دو دسته، امکان تطبیق قطعی
علائم تا لحظه شنیدن ندای آسمانی ظهور وجود ندارد؛ و
تطبیق اشراط ظهور - حتی در صورت صحت - مشکلی را حل
نمی‌کند، زیرا ما را از زمان ظهور آگاه نمی‌سازد.

علائم تأییدی چهار مورد دیگر هستند:

یمانی، سفیانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء.



پس از رهبر

اما مردم ایران در فقدان و شهادت قائد امت اسلامی همانند کوفیان نخواهند بود.

امیرالمؤمنین علی (ع) در زمانی به شهادت رسید که در حال جنگ با معاویه بود؛

پیروی از آرمان خامنه‌ای بزرگ و حفظ وحدت و انسجام ایرانیان درسی فراموش نشدنی به دشمن غدار خواهد داد.

سید رضی در خطبه ۱۸۲ از نوف بکالی نقل می‌کند که علی (ع) در آخرین سخنرانی خود از جهاد با دشمن گفت و نیروهای خود را آماده نبرد با معاویه می‌کرد که ترور شد.

و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

و هیئات مَثَا الذلّه

بکالی گوید نیروها بازگشتند و ما همچون گوسفندانی بدون چوپان شدیم که گرگ‌ها از هر سو آنها را می‌ربایند.



نصرت الهی کی می‌رسد؟

خواهد کرد؛ چرا که او خود فرموده است: «اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما پیروز نخواهد شد.» این یک معادله الهی است: یاری کنید تا یاری شوید.

در این رابطه امام شهید ما می‌فرمود: اگر توانستیم راه کمک الهی را به سوی خود و به روی خود باز کنیم، هیچ مشکلی وجود نخواهد داشت که قابل حل نباشد. به خدای متعال امیدوار باشند، همه تلاش خود را به صحنه بیاورند. نمی‌شود تنبلی کرد، کار نکرد و امیدوار به رحمت الهی بود. هدایت الهی، دستگیری الهی، لطف الهی آن وقتی است که ما همه موجودی توان خود را - که آن هم متعلق به خدای متعال است - وارد صحنه کنیم؛ از فکر و تدبیر، از نیروی جسمی و توان کار، از امکانات عظیم نیروی انسانی کشور، از همه چیز استفاده کنیم؛ آن وقت خدای متعال قطعاً تفضل خواهد کرد.

بسیاری بودند که در مقاطعی، از آینده کشور مأیوس می‌شدند. ما در این سی و چند سال، تجربه‌های متعددی داریم؛ بودند افرادی که یا نزدیک‌بین بودند، یا دچار ضعف باور به کمک الهی بودند، یا حسن ظن به وعده‌ی الهی نداشتند؛ در يك مواقعی، «و زلزلوا حتّی یقول الرسول و الَّذین ءامنوا معه متی نصر الله»؛ در طول تاریخ هم پیش آمده است؛ در همان مواقع، خدای متعال کمک کرده است. و شما امروز ملاحظه کنید ملت ما، کشور ما، نسبت به همه دوره‌های گذشته، در نقطه مقدم قرار دارد؛ پیشرفت جزو ذات حرکت ملت ایران شده است؛ روزبه‌روز بحمدالله ملت پیشرفت کرده است، باز هم پیشرفت خواهد کرد؛ مهم این است که رابطه‌ی خودمان را با خدای متعال محکم کنیم.

(۱۸/۵/۱۳۹۲) بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی

پروردگار عالم در قرآن کریم وعده نصرت و یاری خود را به صراحت و تأکید بیان فرموده است (مَتٰی نَصْرُ اللّٰهِ اِلَّا اِنَّ نَّصْرَ اللّٰهِ قَرِیْبٌ) (بقره/۲۱۴)، اما این وعده مشروط به شرایطی است که مؤمنان باید آن را محقق سازند. نصرت الهی همچون باران رحمت است که بر زمینی پاک و آماده و تشنه می‌بارد، نه بر سنگلاخ سخت و بی‌ثمر. در جبهه نبرد حق علیه باطل، آنگاه که مؤمنان با تمام وجود به یاری دین خدا برخیزند، صفوف خود را از تفرقه و اختلاف پاک کنند، بر اساس تقوا و اخلاص عمل نمایند و در برابر طوفان حوادث، چون کوهی استوار صبر و استقامت ورزند و... آن‌گاه درست در لحظه‌ای که دشمن پیروزی را نزدیک می‌پندارد، دست غیبی خداوند ظهور می‌کند و معادلات را دگرگون می‌سازد.

این امدادهای غیبی همیشه به یک شکل نیست؛ گاهی به پیروزی نظامی چشمگیر می‌انجامد، گاهی به سست شدن اراده دشمن، گاهی به افشای توطئه‌های پنهان و گاهی به مقاومت و پایداری شگفت‌انگیز یک ملت؛ همان‌گونه که جهان شاهد شکوه حضور حماسی ملت ایران است. آنچه مسلم است، وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است. اینکه که ملت مسلمان ایران و جبهه مقاومت نه تنها در میدان نظامی، بلکه در عرصه ایمان، وحدت، اخلاص و تقوا نیز جبهه‌ای مستحکم تشکیل داده‌اند، شاهد تجلی وعده الهی خواهند بود.

تاریخ اسلام گواه است که در جنگ‌های صدر اسلام، نصرت الهی در سخت‌ترین لحظات و هنگامی که مؤمنان از همه جا بریده و تنها به خدا متصل شده بودند، نازل شد. امروز نیز این سنت الهی تغییر نکرده است. اگر ما قدرتمندانه، خالصانه و با توکلی راستین در راه خدا جهاد کنیم، خداوند نیز یاری مان



اسرار جنگ

وضعیتی باقی می ماند که شاید ده ها سال همه منطقه را به عقب می کشاند و تا ده ها سال برای تأمین تکنولوژی ساخت و بازسازی باید وابسته به غرب و شرق باقی می ماند در این وضعیت باید یک چاره جویی قهرمانانه اتفاق می افتاد و قطعاً پیشنهاد ۱۵ بندی ترامپ نمی توانست باشد لذا پیشنهاد ۱۰ بندی ایران که بسیار متفاوت با پیشنهاد دیوانه بزرگ بود ارائه شد از طرفی دیوانه بزرگ هم که به گفته کارشناسان غربی ۷۰ درصد امکانات منطقه ای را از دست داده بود و در مرز بحران اقتصادی نیز قرار گرفته بود و از طرفی برای این که پاسخ تأخیر در عملی کردن تهدیدها را داده باشد و از ذلت ارتکاب بزرگترین جنایت جنگی در منطقه فرار کند باید اقدامی انجام می داد که او را از این مخمصه نجات دهد این شد که پیشنهاد اصلاح شده ده بندی از طرف ایران و پذیرش آن از طرف دیوانه بزرگ یک تاکتیک طرفینی بود که البته موجب جلوگیری از احتمال وقوع یک فاجعه بزرگ در منطقه بود و تنها به عنوان «صحنه سکوت نبرد» مورد نظر است.

در جنگ ها همواره اسراری هست که بر اساس آنها تصمیم شروع حمله یا عقب نشینی و حتی آتش بس و صلح گرفته میشه و فرماندهان و رهبران نمی توانند این اسرار را فاش کنند

ساعت قبل از اعلام پذیرش شروط ایران برای آتش بس از سوی دیوانه بزرگ ساعتی بود که چه بسا قرائن نشان می داد قرار است دیوانه بزرگ غلطی بکند و تمام زیرساخت های کشور را منهدم کند

خب چه اتفاقی می افتاد ؟

ما هم در جواب این غلط او گفته بودیم زیرساخت های کشورهای مرتبط را می زنیم و تمام منطقه دچار خاموشی و بحران شدید می شد آیا چاره ای غیر از این پاسخ داشتیم ؟ خیر نتیجه چه می شد ؟

دیوانه بعد از تخریب کامل زیرساخت ها ادعا می کرد همه اهدافش تأمین شده و اعلام اتمام جنگ می کرد و برمی گشت و چه بسا از منطقه هم خارج می شد و ما هم فرصتی برای اعلام پیروزی پیدا می کردیم اما چه باقی می ماند



تقیه در ترازوی فقه سیاسی

وسیع تر و عمیق تر از این مفاهیم است. تقیه در واقع نوعی تشکیلات و برنامه ریزی است تا انسان بتواند تکالیف و اهداف خود را به گونه ای پیش ببرد که کمترین آسیب را متحمل شود. ما در تحلیل رفتار سیاسی معتقدیم که تقیه دو وجه کاملاً متمایز دارد: در یک معنا، تقیه ممکن است موجب عقب گرد شود، اما در معنای جوهری و اصیل خود، «موجب پیش رفتن» است.

آیت الله خامنه ای تقیه را به «سپری در میدان جنگ» تشبیه می کنند؛ سپر ابزاری برای ترک میدان نیست، بلکه ابزاری برای ماندن در صحنه درگیری، صیانت از خود و وارد کردن ضربه به دشمن در زمان مناسب است. لذا تقیه در سیاست خارجی، به معنای سکون و بی تحرکی نیست، بلکه سپری است که کشور را از ضربات غافلگیرانه دشمن مصون می دارد و اجازه می دهد کارگزاران نظام بدون جنجال های غیرضروری، اهداف راهبردی را دنبال کنند. به واقع، تقیه وسیله ای است برای رساندن انسان باهدف به مقصدش، نه راهی برای فرار از مسئولیت های انقلابی.

[جهت مطالعه ادامه مطلب کلیک نمایید.](#)

در فقه سیاسی اسلام، تنظیم روابط و تعاملات فی مابین افراد و حاکمیت ها بر پایه ی قواعدی استوار است که حکم «قانون» را دارند و هدفشان فراتر از نظم دهی صرف، دستیابی به شفافیت و کارآمدی در مناسبات قدرت است. در این میان، قاعده «تقیه» از جمله ی قواعد پرکاربردی است که نه تنها در سیاست داخلی و تعامل با اقلیت ها، بلکه در ساحت سیاست خارجی و مواجهه ی دولت اسلامی با بیگانگان و دشمنان، نقشی کلیدی ایفا می کند. با این حال، پرسش بنیادین اینجاست که در قرائت اصیل فقهی، تقیه چگونه از یک «کنش فردی ناشی از اضطرار» به یک «اصل راهبردی در دیپلماسی» بدل می شود؟ با تکیه بر دیدگاه های آیت الله خامنه ای، می توان تبیین کرد که تقیه نه تنها به معنای انزوا نیست، بلکه فلسفه ی وجودی آن، رساندن امت اسلامی به اهداف عالیه در فضای پرمخاطره ی بین المللی است.

۱. تقیه؛ ابزار پیشروی و تدبیر

بسیاری بر این باورند که تقیه، معادل «استتار» یا «عمل مکتوم» است، اما حقیقت آن است که معنای تقیه بسیار



مقاومت در تاریخ ملت‌ها

۲. نظام‌مندسازی معارف و تدوین اصول مذهب (مکتب‌سازی) تا پیش از امام صادق (علیه‌السلام)، معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) عمدتاً به صورت احادیث و روایات پراکنده وجود داشت. هنر بزرگ امام، تبدیل این میراث غنی به یک «مکتب» منسجم و ساختارمند بود. ایشان روش استنباط احکام را نظام‌مند کردند و فقه جعفری را به عنوان یک نظام حقوقی و عبادی جامع و پاسخگو به نیازهای زمانه معرفی نمودند. این مکتب‌سازی، به مقاومت فرهنگی عمق استراتژیک و راهبردی بخشید و آن را از وابستگی به شخص خارج کرد و به جریان فکری پایدار تبدیل نمود که پس از شهادت ایشان نیز به حیات خود ادامه دهد.

۳. تربیت شاگردان متخصص و شبکه‌سازی نخبگان امام صادق (علیه‌السلام) شاگردان متعددی را به عنوان «سفیران علمی» و «مدافعان عقیدتی» جبهه مقاومت فرهنگی تربیت نمودند. افرادی چون هشام بن حکم در علم کلام، زرارۀ بن اعین در فقه، و جابر بن حیان در علوم تجربی، هر یک به ستونی استوار در این بنای فکری تبدیل شدند. امام با تربیت متخصصان در هر رشته، شبکه‌ای از نخبگان را در سراسر جهان اسلام سازماندهی کردند که وظیفه ترویج معارف اصیل، پاسخ به شبهات و دفاع از مرزهای عقیدتی مکتب را بر عهده داشتند. این شبکه، بازوی عملیاتی مقاومت فرهنگی امام در برابر جریان‌های فکری معارض بود.

۴. مواجهه فعال با جریان‌های فکری معارض مقاومت امام صادق (علیه‌السلام) ماهیتی تدافعی صرف نداشت، بلکه در میدان اندیشه، کاملاً تهاجمی و فعال بود. ایشان و شاگردان برجسته‌شان با برگزاری جلسات مناظره، به صورت مستقیم به مصاف نمایندگان مکاتب فکری انحرافی و الحادی آن زمان مانند زنادقه (مادی‌گرایان)، غلات (افراطیون)، مُرجئه و قدریه می‌رفتند. در این مناظرات نه تنها پوچی استدلال‌های مخالفان را آشکار می‌ساخت، بلکه منطق نیرومند و عقلانیت مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را به نمایش می‌گذاشت و جامعه اسلامی را در برابر ویروس‌های فکری واکسینه می‌کرد.

۵. حفظ استقلال سیاسی و مرزبندی هویتی

مقاومت در تاریخ ملت‌ها صرفاً به معنای ایستادگی نظامی یا مقابله مسلحانه با قدرت‌های سیاسی نیست؛ بلکه در لایه‌ای عمیق‌تر، نوعی کنش و فعالیت آگاهانه برای حفظ حقیقت، هویت و ارزش‌ها در برابر فرایندهای تحریف، سلطه و استحاله است. هرگاه قدرت‌های سیاسی یا جریان‌های فکری تلاش کرده‌اند حقیقت را دگرگون سازند، نخستین میدان تقابل میدان فرهنگ، اندیشه و معرفت بوده است. از همین رو در بسیاری از مقاطع تاریخی، مهم‌ترین شکل مقاومت، پاسداری از مرجعیت علمی، بازتولید معرفت اصیل و تربیت نسل‌های آگاه بوده است؛ مقاومتی که شاید در ظاهر آرام و بی‌هیاهو به نظر برسد، اما در واقع بنیان‌های هویتی یک جامعه را از فروپاشی حفظ می‌کند. در یکی از پرتلاطم‌ترین بزنگاه‌های تاریخ اسلام، در عصر گذار از خلافت اموی به عباسی که با آشفتگی‌های سیاسی و خلأهای فکری عمیق همراه بود، امام جعفر صادق (علیه‌السلام) در چنین شرایطی که امکان قیام مسلحانه فراهم نبود یا به صلاح امت تشخیص داده نمی‌شد، ماندگارترین جبهه مقاومت یعنی "مقاومت فرهنگی" را برگزیدند. اقدامات آن حضرت یک پروژه عظیم و نظام‌مند بود که می‌توان از آن با عنوان «معماری مقاومت فرهنگی» یاد کرد. این معماری بر پایه‌ها و راهبردهای دقیقی استوار بود که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تأسیس نهاد مرجعیت علمی و فکری بی‌بدیل نخستین و بنیادی‌ترین راهبرد امام، تأسیس یک نهاد علمی فراگیر و بی‌رقیب بود که به مثابه «سنگر علم» عمل می‌کرد. در شرایطی که دستگاه خلافت می‌کوشید با جذب و استخدام فقها و محدثان وابسته، قرائتی تحریف‌شده از دین را ترویج دهد، امام صادق (علیه‌السلام) دانشگاه عظیم خود را در مدینه بنیان نهاد. این مرکز علمی، نه تنها شیعیان، بلکه پیروان تمامی مذاهب و حتی افراد غیرمسلمان را به سوی خود جذب می‌کرد. با تربیت حدود چهار هزار شاگرد در رشته‌های گوناگون از فقه و کلام و تفسیر گرفته تا علوم طبیعی مانند شیمی و طب، آن حضرت انحصار معرفتی خلافت را در هم شکست و مرجعیتی مستقل و اصیل را جایگزین آن ساخت. این همان دژ مستحکمی بود که توانست هویت فکری امت را از گزند تحریف مصون بدارد.



ایستاده برای ایران

کتاب‌های پژوهان در خصوص

پژوهان



چکیده مقالات 

همایش بین‌المللی نظریه انتظار در اندیشه
آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته)



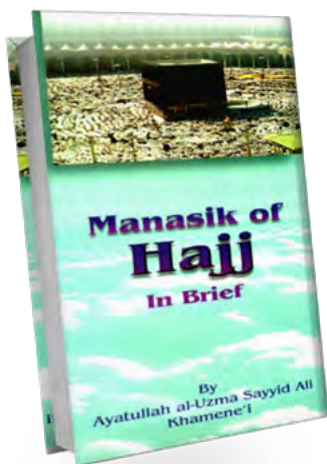
غریب پیروز: 

پیام رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله
خامنه‌ای به کنگره جهانی حضرت رضا (ع)

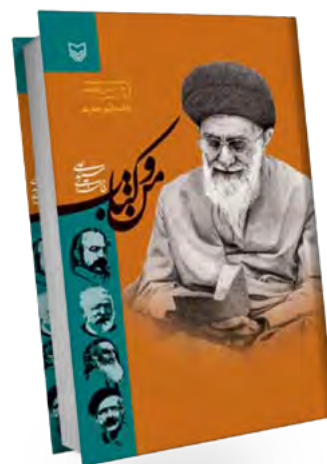


ما منتظریم 

(خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت
آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی)



 manasik of hajj



من و کتاب 

نشانی کانال‌های علمی و تخصصی اعضای هیأت علمی و محققین

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پیام‌رسان ایتا

در روزگاری که تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی با سرعتی چشمگیر در حال رخ دادن است، بهره‌گیری از تحلیل‌ها، یادداشت‌ها و دیدگاه‌های علمی صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی می‌تواند به فهم دقیق‌تر مسائل، ارتقای بینش علمی و شکل‌گیری گفت‌وگوی نخبگانی در میان دانشجویان، طلاب و پژوهشگران کمک کند.

در همین راستا و در مسیر تقویت ارتباط علمی میان پژوهشگران و جامعه نخبگانی کشور، نشانی برخی از کانال‌های علمی و تخصصی اساتید پژوهشگاه در پیام‌رسان «ایتا» برای استفاده علاقه‌مندان معرفی می‌شود.

کانال روابط عمومی پژوهشگاه

<https://eitaa.com/isca24>

۱. استاد نجف لکزایی

[@nlakzaee](#)

۲. استاد محمدتقی سبحانی

[@mtsobhanii](#)

۳. دکتر احمد اولیایی

[@ahmad.olyaei](#)

۴. دکتر حبیب‌الله بابایی

[@Habibollah.Babai](#)

۵. دکتر شریف‌لکزایی

[@shariflakzaei](#)

۶. دکتر حسن بوسلیکی

[@derang-gah](#)

۷. دکتر رفیعی‌هنر

[@Mohyiee](#)

۸. دکتر علی اکبری‌معلم

[@aliakbarimoallem](#)

۹. دکتر مرتضی غریب‌ان

[@MGharasban](#)

۱۰. دکتر مختار شیخ‌حسینی

[@Arabworld2023](#)

۱۱. دکتر حمیدرضا مطهری

[@Hamidreza.Motahari](#)

۱۲. دکتر احمد یزدانی مقدم

[@yazdanimoghaddam](#)

۱۳. دکتر مرتضی یوسفی‌راد

[@MYousefiRA](#)

۱۴. دکتر رضاعیسی‌نیا

[@sociologyir](#)

۱۵. دکتر مصطفی صادقی

[@Mostabin](#)

۱۶. دکتر محمد شهبازیان

[@khaketeshneh](#)

۱۷. علی محمدی‌هوشیار

[@ali.m.hoshyar](#)

۱۸. رحیم کارگر

[@magamat](#)

۱۹. خدامراد سلیمیان

[@kh.salimian](#)

۲۰. مسلم کامیاب

[@moslemkamyab](#)

تبیین اندیشه امام شهید در نشریات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی





isca.ac.ir

به همت حوزه ریاست و روابط عمومی

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مدیرمسئول: حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان

سردبیر: مجتبی روحانی نژاد

با تشکر از آقای میثم بهروز

پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه

